

نگاهی به نخبه‌پرانی جدید در قانون چک ایران

دکتر محمود جلالی استادیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان - مهدی امیدوی دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی

بموجب این چک مبلغ

بمبالغه کرد و سپردانید

مقدمه

از این سند تجاری و آسان بودن انتقال آن به شخصی دیگر باعث گردیده تا مردم در روابط و معاملات تجاری روزمره خود از این سند استفاده نمایند و آن را در روابط تجاری خود به کار گیرند، برای همین قانونگذار ضمانت اجرای حقوقی و کیفری برای چک مقرر داشته است: از یک سو از نظر جزایی با شرایطی می‌توان صادرکننده‌ی چک را تحت تعقیب کیفری قرار داد و از سوی دیگر دارنده‌ی چک برای مطالبه‌ی وجه مندرج در متن چک می‌تواند از طریق حقوقی و طرح دادخواست اقدام نماید و یا برای وصول وجه چک از طریق واحد اجرای ثبت اقدام کند.

به‌علاوه هدف از قرار دادن تضمین‌های حقوقی و کیفری برای چک آن است که به‌منظور تحقق اصل سرعت در معاملات تجاری بتواند قائم مقام پول باشد و از سوی دیگر چون چک به‌عنوان وسیله‌ی پرداخت در معاملات به‌کار می‌رود، قانونگذار سعی می‌کند برای آن برخلاف سایر اسناد تجاری ضمانت اجرای کیفری قرار دهد تا بتواند اعتبار آن را در بین افراد جامعه افزایش دهد.

چک در روابط اقتصادی اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد و می‌تواند در انجام سریع امور تجاری نقش مؤثری ایفا نماید. لذا امروزه استفاده از آن نه تنها کاهش نیافته، بلکه روز به روز بر سرعت استفاده از آن افزوده می‌شود. همچنان که گفتیم لازم است تا قانونگذار به این سند تجاری توجه خاصی نماید و به‌منظور افزایش اعتبار آن گامهای مؤثری همچون ایجاد ضمانت اجراهای کیفری و حقوقی بردارد. چک همچنین از نظر اقتصادی فوایدی دارد. زیرا صادرکننده در هر لحظه می‌تواند با صدور چک به نام خود یا شخص ثالث از موجودی خود در بانک وجه نقد دریافت دارد. از طرفی چک جایگزین مناسبی برای اسکناس تلقی می‌شود و از خطرات حمل و نقل آن نیز می‌کاهد و صدور آن هم برحسب ضرورت انجام می‌گیرد. البته دارای اشکالاتی نیز هست که از جمله می‌توان به مواردی اشاره کرد که دارنده‌ی چک، صاحب یک چک سرقتی یا جعلی یا بلامحل می‌شود، آنگاه ممکن است به سختی بتواند به پول خود دست یابد.

بنابراین به نظر می‌رسد که افراد جامعه نیز باید از قوانین و مقررات حاکم بر چک اطلاع داشته باشند تا در استفاده از آن در معاملات اقتصادی و تجاری دچار مشکل نشوند. هدف اصلی این مقاله آن است که با مراجعه به ادوار مختلف قانونگذاری در خصوص چک و بیان تحولات گذشته تا حال، تغییرات جدید در قانون چک ایران را بررسی نماید. البته در این مختصر امکان بیان و توضیح کلیه‌ی

امروزه به موازات توسعه‌ی روابط اجتماعی و ایجاد تحولات اقتصادی در زمینه‌های مختلف و افزایش معاملات تجاری، استفاده از اسناد تجاری و وسایل پرداخت همچون سفته و چک گسترش یافته‌اند که خود نشان از اهمیت جایگاه این اسناد در سطوح مختلف جامعه به‌ویژه میان تجار، بازرگانان و بازاریان دارد. در این مقاله علاوه بر شرح مختصری درباره‌ی بعضی از مواد قانون فعلی چک، سعی شده تا ضمن بررسی تطبیقی آن با قوانین سابق صدور چک، کلیه‌ی اصلاحات و تغییرات نوین این قانون (اصلاحی ۱۳۸۲) نیز در سایه‌ی تحلیل حقوقی مورد ارزیابی قرار گیرد.

واژه‌ی «چک» در برخی فرهنگها^(۱) به معنی حواله و نوشته‌ای است که شخص از طریق آن پولی را که در بانک یا نزد صراف دارد بگیرد یا به کسی حواله دهد. گاهی نیز در کتب قدیمی فارسی به معنی قبالة، عهدنامه، منشور و حجت آمده است.^(۲) برخی نیز عقیده دارند که واژه‌ی چک فارسی بوده و سپس وارد زبانهای اروپایی شده است. برخی از شعرا و نویسندگان ایرانی مثل خاقانی، فردوسی و ناصر خسرو نیز در اشعار و نوشته‌های خود از این واژه استفاده کرده‌اند. بعضی از حقوقدانان معتقدند «چک سندی است که بر روی یک بانک کشیده می‌شود، برای پرداخت مبلغی که در بانک به حساب صادرکننده موجود است به دارنده‌ی چک»^(۳) در قانون تجارت (ماده‌ی ۳۱۰) در تعریف چک آمده است: «چک نوشته‌ای است که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که نزد محال‌علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید.» از نظر ماهیت حقوقی عده‌ای چک را جزء قراردادهای می‌دانند و عده‌ای دیگر نیز آن را نوعی تعهد یک طرفی یا ایقاع می‌شمارند. برخی نیز خواسته‌اند ماهیت آن را ترکیبی از این دو قرار دهند.^(۴) اما به نظر می‌رسد که بیشتر تحلیل‌ها در خصوص ماهیت چک به‌سوی عقد یا حواله بودن این سند تجاری سوق داده شده است. قانون تجارت انواع چک را ذکر نکرده است و فقط به تعریف چک پرداخته است.

امروزه چک سندی است تجاری که سهولت استفاده

مقررات مربوط به قانون چک مقدور نیست و خود نیاز به بررسی‌های عمیق و گسترده‌تری دارد که به سهم خود تحقیقات دیگری را می‌طلبد. امید است مورد استفاده‌ی خوانندگان محترم قرار گیرد.

تاریخچه‌ی تحولات قانون صدور چک در ایران

چک در سطح بین‌المللی قدمت چندانی ندارد و برای اولین بار در کشور انگلستان در قرن هفدهم مورد استفاده قرار گرفت و در اواسط این قرن نیز توسعه یافت، سپس فرانسویان به موجب قانون ۱۴ ژوئن ۱۸۶۵ چک را مورد استفاده قرار دادند. در کشور انگلستان مقررات راجع به چک ابتدا در قانون پروات (Bill of Exchange Act) مورخه‌ی ۱۸۸۲ و سرانجام در قانون چک‌ها (Cheque Act) تدوین گردید.^(۵)

در ایران اولین قانون مربوط به چک را می‌توان در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ مشاهده نمود. فصل سوم از باب چهارم از مواد ۳۱۰ الی ۳۱۷ این قانون به چک اختصاص یافته است. در سال ۱۳۱۲ قانون مجازات عمومی در ماده‌ی ۲۳۸ برای نخستین بار صدور چک بلامحل را جرم تلقی کرده، اما به تدریج قوانین مربوط به چک دچار تغییر و تحولاتی شد و نسبت به مقررات سایر اسناد تجارتي تمایزاتی حاصل نمود. از جمله قوانینی که بعد از قانون تجارت راجع به چک تصویب شد می‌توان از قانون صدور چک بلامحل مصوب ۱۳۳۱/۸/۲۷ که چک را در حکم اسناد لازم‌الاجرا شناخت و قانون صدور چک بلاعمل ۱۳۳۷/۱۲/۱۶ نام برد. سرانجام قانون اخیر نیز به موجب تصویب قانون صدور چک مصوب خردادماه ۱۳۴۴ که مشتمل بر ۱۹ ماده بود فسخ گردید. تصویب این قانون چک را معتبرتر ساخت. البته در این قانون جرم صدور چک بلامحل جرمی خصوصی تلقی شد که جز با شکایت دارنده‌ی آن قابل تعقیب کیفری نبود و گذشت شاکی خصوصی نیز در هر مرحله از تعقیب منجر به صدور قرار موقوفی تعقیب یا عدم اجرای مجازات آن می‌شد. اما این قانون هم نتوانست مانعی برای افزایش صدور چک‌های بلامحل باشد.^(۶) لذا مجدداً با آمدن قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵/۴/۱۶ قانون چک ۱۳۴۴ منسوخ گردید و این قانون جایگزین قانون قبلی شد. پس از تصویب قانون اخیرالذکر و اجرا شدن آن نواقصی در آن ظهور نمود، از جمله اینکه چنانچه بحران اقتصادی یا نوسانهای فراوان در جریان امور اقتصادی کشور ایجاد می‌شد، صادرکنندگان چک در انجام تعهدات خود یا پرداخت دیون دچار مشکل می‌شدند و نمی‌توانستند وجه

چک‌های صادره بابت تعهدات قراردادی خود را پرداخت نمایند، لذا این امر ناخواسته سبب افزایش صدور چک بلامحل در سطح جامعه می‌شد. به همین دلیل نیز مرجع قانونگذاری به این سوهادیت شد که مجازاتهای سنگین‌تری برای جرم صدور چک بلامحل ایجاد نماید تا مردم در سطح جامعه با احتیاط بیشتری نسبت به صدور چک اقدام کنند. البته در ماده‌ی ۱۲ قانون چک مذکور در ۵ مورد صدور چک قابل تعقیب کیفری نبود. بنابراین در برخی موارد موجب شده بود تا صادرکنندگان چک با شیوه‌های خاصی از زیر بار مجازاتهای قانونی فرار کنند و عملاً از چک سوء استفاده نمایند. مجدداً این قانون در تاریخ ۱۳۷۲/۸/۲۳ تحت عنوان «قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک» اصلاح و تصویب گردید که طی آن ماده‌ی ۱۲ قانون چک ۱۳۵۵ حذف شد و ماده‌ی ۱۳ قانون ۱۳۷۲ به‌جای آن مقرر داشت: «صدور چک به‌عنوان تضمین یا تأمین اعتبار یا مشروط یا وعده‌دار یا سفید امضا ممنوع است.»

اصلی‌ترین موردی را که اصلاحیه‌ی قانون چک ۱۳۷۲ مورد توجه قرار داد تشدید و افزایش ضمانت اجرای چک بود. همچنین در این اصلاحات یک ماده به ابتدای قانون صدور چک اضافه گردید و در نتیجه شماره‌ی مواد آن قانون تغییر کرد. اصلاحیه‌ی قانون صدور چک (مصوب ۱۳۷۲) قریب به ۱۰ سال بر سند تجارتي چک حکومت کرد تا اینکه در سال ۱۳۸۲ به دلایل گوناگون مجدداً نیاز به انجام اصلاحاتی در این قانون احساس شد، زیرا از یک سو صدور هر نوع چک حتی به‌عنوان تضمین یا مشروط یا وعده‌دار یا سفید امضا دارای خصوصیت کیفری محسوب می‌شد و از طرف دیگر مجازاتهای سنگینی را برای صادرکنندگان این نوع چک‌ها در نظر می‌گرفت. در نتیجه جامعه در سالهای اخیر با طیف وسیعی از صادرکنندگان چک بلامحل مواجه شد به نحوی که جمعیت بسیاری از زندانهای کشور را صادرکنندگان چک بلامحل تشکیل می‌داد.^(۷) در نتیجه مجدداً قانونگذار سیاست خود را به‌منظور جرم‌زدایی تغییر داد تا از تعداد مجرمین صدور چک بلامحل کاسته شود و به همین علت اقدام به تهیه‌ی اصلاحیه‌ی جدیدی نمود و سرانجام لایحه‌ی اصلاح قانون چک در کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی مورد تصویب قرار گرفت و برای تصویب نهایی به صحن علنی مجلس رفت. هر چند در سالهای قبل از آن نیز دولت با ارائه‌ی یک لایحه و مجلس نیز با ارائه‌ی یک طرح خواستار اصلاح قانون چک شده بودند، اما هیچ‌کدام از

شماره

اسم صاحب حساب

صیرانخانه حاجی سید محمد رضا مصطفوی - اصفهان



در مقابل این چک مبلغ ...

یا حال پروازید

در وجه رسید البعالم ابرم

۱۳۷۷/۷/۱۰۰ ریال

امضاء
محمد محمدی

تاریخ ۲۱ مهر ۱۳۷۹

می‌نماید، زیرا پس از تأیید چک، بانک مسئول پرداخت وجه آن می‌باشد و لذا موظف است تا زمان ارائه چک به بانک، آن را مسدود نگاه دارد. البته تعریفی که ماده‌ی یک قانون صدور چک از این نوع چک‌ها به عمل آورده شبیه به تعریفی است که در قانون چک‌های تضمین‌شده‌ی بانک ملی مصوب ۱۳۷۷ ارائه شده است.

در بند ۳ ماده‌ی یک در خصوص چک تضمین شده آمده است: «چک تضمین شده چکی است که توسط بانک به عهده‌ی همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می‌شود.» اصولاً صدور چک از طرف صادرکننده بر روی خود جایز نیست و چنانچه بانکی بر روی خود چک صادر نماید مانند آن است که اوراقی مانند اسکناس را در جریان گذاشته است. به عقیده‌ی عده‌ای از حقوقدانان^(۹) این نوع چک به هیچ وجه مشمول تعریف اسکناس نیست. اما دیوان عالی کشور در رأی^(۱۰) این نوع چک‌ها را در حکم اسکناس محسوب کرده است.^(۱۱) سرانجام قانونگذار در بند ۴ ماده‌ی یک از چک مسافرتی نام می‌برد و مقرر می‌دارد: «چک مسافرتی چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هر یک از شعب آن بانک یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می‌گردد.» این بند در اصلاحات قانون صدور چک در تاریخ ۱۳۷۲/۸/۱۱ به ماده‌ی اول این قانون اضافه گردید. در این چک‌ها تاریخ صدور بر روی آن نوشته نمی‌شود و چون از سوی بانک معتبر صادر می‌گردد مورد قبول خواهد بود.^(۱۲)

صدور چک یک عمل حقوقی به‌شمار می‌آید، لذا در

این دو طرح و لایحه به تصویب نرسید. در واقع لایحه‌ی تصویبی که امروزه در خصوص چک ملاک عمل قرار گرفته سومین لایحه‌ی تقدیمی به مجلس شورای اسلامی بود. البته در این خصوص عده‌ای از نمایندگان مجلس پیشنهادهایی را در زمینه‌ی تدوین مجدد قانون چک ارائه کردند. در خصوص اصلاحیه‌ی مذکور نهادهایی همچون کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس و کمیسیون اقتصادی و مرکز پژوهش‌های مجلس و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط لایحه‌ی فوق را مورد بررسی قرار دادند، حتی از حقوقدانان فرانسوی نیز در این خصوص نظرخواهی صورت گرفت.^(۸) سرانجام این اصلاحیه در تاریخ ۱۳۸۲/۶/۲ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و در تاریخ ۱۳۸۲/۶/۱۲ نیز مورد تأیید شورای نگهبان قرار گرفت و این قانون تا به امروز معتبر و لازم‌الاجرا است.

بررسی قانون فعلی صدور چک (اصلاحی ۱۳۸۲)

در تحلیل و بررسی مواد قانون جدید چک (قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۸۲) اولین ماده در خصوص اقسام چک بیان گردیده که عبارت‌اند از: چک عادی، چک تأیید شده، چک تضمین شده و چک مسافرتی. چک عادی عبارت است از چکی که اشخاص به روی بانکها و به حساب جاری خود صادر می‌کنند و اعتبار صادرکننده تنها تضمین دارنده و قبول‌کننده‌ی آن به حساب می‌آید. در چک تأیید شده نیز بانک محال علیه پرداخت وجه چک را بر روی آن مورد تأیید قرار می‌دهد و سپس بانک موجودی مذکور را در حساب صادرکننده مسدود

جریان صدور چک نقش صادرکننده، گیرنده و پرداخت‌کننده‌ی چک مورد توجه است. چون طی آن، صادرکننده به بانک دستور می‌دهد تا مبلغی را به گیرنده‌ی چک بپردازد، صادرکننده بعد از صدور چک ضامن پرداخت وجه آن است. ماده‌ی ۳ قانون چک مقرر می‌دارد: «صادرکننده‌ی چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد...» بنابراین در تاریخی که چک به بانک ارائه می‌شود. و این تاریخ مطابق با سر رسید چک خواهد بود، دارنده باید محل چک را در بانک تأمین نماید.

طبق ماده‌ی ۲ قانون مذکور، چک در حکم اسناد لازم‌الاجرا محسوب شده است، لذا دارنده‌ی آن در صورتی که به بانک مراجعه نمود و به علت نبودن محل یا به هر علت دیگری نتوانست تمام یا قسمتی از وجه چک را وصول نماید، می‌تواند مطابق با قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به اجرای اسناد رسمی وجه چک یا باقی‌مانده‌ی آن را از صادرکننده دریافت نماید. سند لازم‌الاجرا عبارت است از: «سند رسمی یا عادی که بدون صدور حکم از دادگاه قابل صدور اجرائیه برای اجرای مدلول سند باشد.»^(۱۳) به نظر می‌رسد حواله‌های صادره از صندوق‌های قرض‌الحسنه نمی‌تواند عنوان چک داشته باشد، زیرا براساس این ماده «چک‌های صادره‌ی عهده‌ی بانک‌هایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده یا می‌شوند همچنین شعب آنها در خارج از کشور، در حکم اسناد لازم‌الاجرا است...» و قانون صدور چک بر آنها حکومت دارد، اما چون صندوق‌های قرض‌الحسنه را نمی‌توان بانک به‌شمار آورد و بر این صندوق‌ها مقررات حاکم بر عملیات بانکی حاکم نیست، لذا حواله‌هایی که از جانب صندوق‌های قرض‌الحسنه صادر می‌گردد نیز چک تلقی نمی‌شود، بلکه سندی عادی است و تابع مقررات عمومی.^(۱۴)

قانونگذار در ماده‌ی ۳ شرایطی را مقرر داشته که صادرکننده باید در هنگام صدور چک به آنها توجه نماید، از جمله اینکه: صادرکننده‌ی چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد. به عبارت دیگر باید در تاریخ سر رسید، محل چک تأمین شده باشد. ثانیاً نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر گردیده از بانک خارج نماید. ثالثاً صادرکننده نباید دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد، زیرا چک دستور پرداختی است که نمی‌شود آن را فسخ کرد و اصولاً صادرکننده چنین حقی را ندارد (البته در مواردی قانونگذار اجازه‌ی صدور دستور عدم پرداخت را

به صادرکننده اعطا نموده که این موارد را ماده‌ی ۱۴ قانون صدور چک بیان نموده که طبق آن صادرکننده یا ذی‌نفع یا قائم مقام قانونی آنها می‌توانند در خصوص چک‌های مفقودی یا سرقتی یا جعلی و یا چک‌هایی که از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایم دیگر تحصیل شده‌اند، کتباً به بانک دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهند.) رابعاً صادرکننده نباید چک را به گونه‌ای تنظیم نماید که مانع پرداخت وجه آن از طرف بانک شود، مثلاً به علت قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات چک یا عدم مطابقت امضا و امثال آن چک پرداخت نشود. در ادامه قانونگذار تصریح می‌نماید که چنانچه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد. همچنین در ماده‌ی ۳ مکرر، پرداخت وجه چک تا قبل از تاریخ سر رسید را نپذیرفته و اعلام می‌دارد: «چک فقط در تاریخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود.»

قانونگذار برای عدم رعایت مقررات ماده‌ی ۳ و همچنین ماده‌ی ۱۰ که طی آن صدور چک از حساب بانکی مسدود را در حکم صدور چک بلامحل دانسته ضمانت اجرایی را پیش‌بینی نموده است که در این خصوص ماده‌ی ۷ قانون صدور چک مقرر می‌دارد: «هر کس مرتکب بزه صدور چک بلامحل گردد به شرح ذیل محکوم خواهد شد:

الف. چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده میلیون ریال باشد به حبس تا حداکثر شش ماه محکوم خواهد شد.

ب. چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال باشد از شش ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد.

ج. چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون ریال بیشتر باشد به حبس یک سال تا دو سال و ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت دو سال محکوم خواهد شد و در صورتی که صادرکننده‌ی چک اقدام به صدور چک‌های بلامحل نموده باشد، مجموع مبالغ مندرج در متون چک‌ها ملاک عمل خواهد بود.

تبصره: این مجازات‌ها شامل مواردی که ثابت شود چک‌های بلامحل بابت معاملات نامشروع و یا بهره‌ی ربوی صادر شده، نمی‌باشد.»

برای آنکه دارنده‌ی چک بتواند صادرکننده را تحت تعقیب قرار دهد، دارنده باید اثبات کند که چک فاقد محل است، برای اثبات این امر باید گواهی‌نامه‌ی مخصوصی را از بانک مربوط دریافت نموده و به مرجع قضایی ارائه دهد.



در این خصوص بانک مکلف است در گواهینامه‌ی مذکور مشخصات چک، هویت و نشانی کامل صادرکننده را در آن ذکر نماید و علت یا علل عدم پرداخت را صریحاً قید و آن را امضا و مهر کند و به دارنده‌ی چک تسلیم نماید. همچنین بانک باید برای اطلاع صادرکننده‌ی چک، فوراً نسخه‌ی ثانی گواهینامه‌ی عدم پرداخت را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است ارسال دارد (ماده‌ی ۱۴ قانون صدور چک).

قانونگذار بعضی از چک‌های صادره را از شمول مقررات کیفری خارج کرده است و صراحتاً اعلام داشته که صادرکننده قابل تعقیب کیفری نیست، این موارد را ماده‌ی ۱۳ قانون مذکور در ۵ مورد احصاء نموده است و صدور چنین چک‌هایی را موجب تعقیب کیفری نمی‌داند که عبارت‌اند از:

۱. چک‌های سفید امضا
۲. چک‌هایی که برای تضمین انجام معامله یا تعهد صادر شده است.
۳. چک‌هایی که وصول وجه آنها منوط به تحقق شرطی بوده باشد.
۴. چک‌های بدون تاریخ و یا چک‌های وعده‌دار.
۵. هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است.

با وجود این ماده، تعداد کثیری از چک‌هایی که امروزه در سطح جامعه صادر می‌شود قابلیت تعقیب کیفری را نخواهند داشت، زیرا به خوبی روشن است که اکثر چک‌های صادره توسط افراد جامعه به صورت وعده‌دار صادر می‌گردد و کمتر چکی است که تاریخ صدور آن با تاریخ سررسید یکسان باشد. به نظر می‌رسد قانونگذار با حذف ضمانت اجرای کیفری این گونه چک‌ها در صدد بوده تا تخصیص کیفری بودن چک را به حداقل کاهش دهد زیرا تا قبل از اصلاحات ۱۳۸۲ در قانون چک، عده‌ی کثیری از تجار و کسبه که سالها بود به امر تجارت و اقتصاد اشتغال داشتند بر اثر یک حادثه یا اتفاق غیرقابل پیش‌بینی از نظر اقتصادی نمی‌توانستند به موقع وجه چک‌های صادره‌ی خود را در بانک محال‌علیه تأمین کنند و در نتیجه به علت موجود نبودن یا کفایت مبلغ مورد نیاز و عجز و ناتوانی از پرداخت وجه چک به ناچار روانه‌ی زندان می‌شدند و به اعتبار و حیثیت آنان لطمه وارد می‌شد. این در حالی بود که در مقایسه‌ی این تعداد زندانیان، تعداد افرادی که واقعاً به علت سوء استفاده از چک و کلاهبرداری

با آن در زندان‌ها به‌سر می‌بردند بسیار اندک بودند.

بررسی تطبیقی قانونی فعلی چک با قوانین سابق

به هنگام ارائه‌ی لایحه‌ی جدید دولت برای اصلاح قانون چک در سال ۱۳۸۲ عده‌ای از نمایندگان مجلس عقیده داشتند که این لایحه توجهی به حقوق طلبکاران ندارد و حذف جنبه‌ی کیفری چک در لایحه‌ی مزبور به حقوق طلبکار صدمه وارد می‌آورد و لذا دولت باید از حقوق دارندگان چک که یگانه وسیله‌ی اثبات طلب آنها به‌شمار می‌رود، حمایت کند. البته عده‌ای نیز به دلیل حجم بالای صدور چک‌های بلامحل که باعث شده بود بیشتر زندانیان کشور را صادرکنندگان چک بلامحل تشکیل دهد، در فکر راه چاره‌ای برای رهایی از این معضل اجتماعی بودند تا شاید بتوانند راهکاری برای کاهش جنبه‌های کیفری چک ارائه نمایند. در مقایسه‌ی قانون جدید صدور چک (۱۳۸۲) با قوانین قبلی می‌توان تغییراتی را ملاحظه کرد. یکی از تغییرات ایجاد شده در این قانون نسبت به قانون قبلی آن است که طبق اصلاحات صورت گرفته: «صادرکننده‌ی چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور، در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد...» بنابراین دارنده‌ی چک فقط می‌تواند در تاریخ قید شده در آن، وجه چک را وصول نماید، همچنان‌که ماده‌ی ۳ مکرر قانون مذکور اعلام می‌دارد: «چک فقط در تاریخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود.» با ملاحظه‌ی قانون سابق متوجه می‌شویم که دارنده‌ی چک می‌توانست بدون هیچ‌گونه توجهی به تاریخ مندرج در آن برای دریافت وجه چک به بانک محال علیه مراجعه نماید. ماده‌ی ۳ قانون سابق اظهار می‌داشت «صادرکننده‌ی چک باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک محال علیه محل (وجه نقد یا اعتبار قابل استفاده) داشته باشد...»^(۱۵) لذا موجود بودن محل چک، در لحظه‌ی صدور چک شرطی الزامی بود و صادرکننده می‌بایست در هنگام صدور چک مبلغی نقدی در حساب خود داشته باشد و یا آنکه بانک اعتباری برای او در نظر گرفته باشد. بنابراین ضرورت وجود محل در هنگام صدور چک الزامی بود، اما با تصویب ماده‌ی جدید مذکور چک فقط در تاریخ مندرج در آن یا پس از آن تاریخ قابل وصول از بانک خواهد بود.

از جمله تغییرات اساسی که در قانون جدید صدور چک قابل ملاحظه است، تغییر مجازات جرم صدور چک بلامحل است. تا قبل از اصلاحات ۱۳۸۲ قانونگذار هر کسی را که هنگام صدور چک مرتکب تخلفات مندرج

در ماده‌ی ۳ می‌شد به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال و برحسب مورد او را معادل یک چهارم تمام وجه چک یا یک چهارم کسر موجودی هنگام ارائه‌ی چک، به جزای نقدی محکوم می‌نمود. در نتیجه قانونگذار برای جرم صدور چک بلامحل دو نوع مجازات در نظر گرفته بود؛ مجازات حبس و جزای نقدی و در این خصوص، مبلغ چک یا میزان کسری موجودی مبنای تعیین میزان مجازات جزای نقدی به‌شمار می‌آمد و این مبلغ در تعیین مجازات حبس تأثیری نداشت، اما در اصلاحات سال ۱۳۸۲ مجازات جزای نقدی برای محکومان صدور چک بلامحل حذف گردید و فقط مجازات حبس برای آنان در نظر گرفته شد و طول دوره‌های حبس با توجه به مبلغ مندرج در وجه چک به سه قسمت تقسیم شد (ماده‌ی ۷ قانون صدور چک).

بنابراین ملاحظه می‌کنیم که در قانون سابق مبلغ مندرج در متن چک هیچ‌گونه تأثیری در میزان حبس تعزیری محکومان صدور چک بلامحل نداشت اما در قانون جدید تعیین طول دوره‌ی حبس بر مبنای مبلغ قید شده در متن چک مشخص می‌شود. همچنین براساس تبصره‌ی ماده‌ی ۳ «این مجازات‌ها شامل مواردی که ثابت شود چک‌های بلامحل بابت معاملات نامشروع و یا بهره‌ریبوی صادر شده، نمی‌باشد.» همچنین در اصلاحات قانون جدید عبارت «از قرار صدی دوازده در سال» از ماده‌ی ۱۲ قانون مذکور (یا ماده‌ی ۱۱ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵) حذف گردید و میزان خسارت و نحوه‌ی احتساب آن را براساس تبصره‌ی الحاقی که به این ماده اضافه شد. بر مبنای قانون الحاقی یک تبصره به ماده‌ی ۲ قانون اصلاح مواد از قانون صدور چک ۱۳۷۶/۳/۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین نمود. در رابطه با قسمت اخیر ماده‌ی مذکور که مقرر می‌دارد: «هرگاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند و یا اینکه محکوم علیه به ترتیب فوق موجبات پرداخت وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم نماید، اجرای حکم موقوف می‌شود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد.»

به نظر می‌رسد چون قانونگذار در ماده‌ی ۷ قانون جدید مجازات جزای نقدی را از مجازات‌های صدور چک بلامحل حذف نموده است، عملاً این قسمت از ماده‌ی مذکور در خصوص «الزام محکوم علیه نسبت به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم» نسخ گردیده

و قابلیت اجرایی ندارد. زیرا چک دیگر مجازات جزای نقدی ندارد تا در آن، مورد حکم قرار گیرد. بنابراین از یک سو مجازات جزای نقدی حذف گردیده و از سوی دیگر در حذف این عبارت دقت لازم به عمل نیامده است.

از دیگر تغییرات مهم قانون جدید صدور چک باید به حذف جنبه‌ی کیفری بعضی از انواع چک اشاره کرد. ماده‌ی ۱۳ قانون سابق صدور چک (اصلاحی ۱۳۷۲) صدور چک را به‌عنوان تضمین یا تأمین اعتبار یا مشروط، وعده‌دار یا سفید امضا ممنوع می‌دانست و صادرکننده‌ی چنین چک‌هایی در صورت شکایت ذی‌نفع و پرداخت نکردن وجه آن به مجازات حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از یکصد هزار تا ده میلیون ریال محکوم می‌شد، ولی در این ماده‌از «چک‌های بدون تاریخ» که از مصادیق ماده ۱۲ قانون صدور چک سال ۱۳۵۵ به‌شمار می‌رفت صحبتی نشده بود، که به نظر می‌رسد این امر ناشی از تسامح قانونگذار بوده و برای همین اشکالاتی را ایجاد نمود و سبب تشتت آرا در میان قضات گردید.^(۱۶) اما در اصلاحات جدید سال ۱۳۸۲ قانونگذار اقدام به حذف ماده‌ی ۱۳ قانون سابق کرد و صادرکنندگان این گونه چک‌ها را غیرقابل تعقیب کیفری دانست. طبق ماده‌ی ۱۳ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ صادرکنندگان آن در پنج مورد قابل تعقیب نبودند که این ماده‌عیناً با یک شماره تغییر در ماده‌ی ۱۳ قانون چک ۱۳۸۲ بیان گردیده است. به نظر می‌رسد غیرقابل تعقیب دانستن صادرکننده‌ی چک‌های بی‌تاریخ به چند دلیل مفید باشد: اولاً به دلیل اینکه اغلب چک‌هایی که در سطح جامعه صادر می‌گردد جزء چک‌های وعده‌دار هستند و چون عرف تجاری حاکی از صدور تعداد کثیری از چک‌ها به‌صورت وعده‌دار می‌باشد، لذا این اقدام قانونگذار به‌منظور حذف جنبه‌ی کیفری صدور چک وعده‌دار می‌تواند گامی همسو با عرف جامعه به‌شمار آید. ثانیاً قانونگذار با آوردن بند «ه» از ماده‌ی ۱۳ که مقرر می‌دارد: «در صورتی که ثابت گردد چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد» صادرکننده‌ی آن قابل تعقیب کیفری نیست صراحتاً به اختلاف‌نظرها درخصوص قابلیت تعقیب صادرکنندگان چک‌های بی‌تاریخ پایان بخشید.^(۱۷) زیرا همان‌طور که گفته شد قانون سابق، ذکری از چک‌های بدون تاریخ به میان نیاورده بود، و لذا جنبه‌ی کیفری داشتن و یا نداشتن آنها مورد اختلاف بود. بنابراین ماده‌ی ۱۳ قانون سابق به‌گونه‌ای موجب اختلاف و ابهام در برخی موارد شده بود، از جمله در مورد اینکه آیا جرم قید شده در این ماده‌یک جرم مستقل به حساب می‌آید

یا همان جرم صدور چک پرداخت نشدنی است؟ (۱۸) بنابراین قانونگذار با حذف اصلاح آن ماده به صورت کنونی به این گونه بحث‌ها و اختلاف نظرها پایان داد.

از دیگر اصلاحات قانون جدید می‌توان به ماده‌ی ۱۸ آن توجه نمود که مقرر می‌دارد: «مرجع رسیدگی‌کننده‌ی جرایم مربوط به چک بلامحل، از متهمان در صورت توجه اتهام طبق ضوابط مقرر در ماده‌ی ۱۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی، حسب مورد یکی از قرارهای تأمین کفایت یا وثیقه «اعم از وجه نقد یا ضمانت‌نامه بانکی یا مال منقول و غیرمنقول اخذ می‌نماید.»

تغییر دیگری که در قانون جدید صدور چک ایجاد شده آن است که ماده‌ی ۲۲ قانون اخیر در خصوص نحوه‌ی ابلاغ در اقامتگاه متهم مجهول‌المکان جرم صدور چک بلامحل، اقدام به حذف قسمتی از ماده‌ی مذکور در قانون سابق نموده و اعلام می‌دارد: «در صورتی که به متهم دسترسی حاصل نشود، آخرین نشانی متهم در بانک محال علیه اقامتگاه قانونی او محسوب است و هرگونه ابلاغی به نشانی مزبور به عمل می‌آید...» اما در ادامه این ماده‌ی مندرج در قانون سابق آمده بود: «... مگر آنکه متهم به ترتیب مقرر در ماده‌ی ۱۲۵ قانون آیین دادرسی کیفری نشانی دیگری تعیین کرده باشد» که این عبارت در اصلاحات سال ۱۳۸۲ حذف گردید.

بنابراین ملاحظه می‌کنیم که قانون صدور چک از گذشته تا حال تغییرات و اصلاحات متعددی یافته و تاکنون لوایح و طرحهای زیادی در خصوص اصلاح این قانون به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده که این امر نشان‌دهنده‌ی معضلات بزرگ چک بلامحل در سطح جامعه بوده است. در خصوص قانون سابق نیز بسیاری معتقد بودند که شدت مجازات صدور چک بلامحل و مجازات چک‌های تضمینی، وعده‌دار، مشروط و سفید امضا در طی ده ساله‌ی حکومت آن بحرانی را ایجاد کرده که اگر قوای سه‌گانه به فکر چاره‌اندیشی در حل معضلات آن نباشند، این روند سبب افزایش صدور چک‌های بلامحل و در نتیجه افزایش تعداد زندانیان چک در کشور می‌گردد. بنابراین با اصلاحات قانون در سال ۱۳۸۲ گام مؤثری در رفع نواقص قانون صدور چک برداشته شد.

چون قانونگذار در ماده‌ی ۱۳ قانون فعلی صدور چک‌های سفید امضا مشروط، تضمینی و وعده‌دار یا بی‌تاریخ را فاقد خصیصه‌ی کیفری اعلام داشته است، باز

به نظر می‌رسد که در این زمینه نیز معمولاً صادرکنندگان حرفه‌ای چک‌های بلامحل با استفاده از شیوه‌های زیرکانه‌ای صدور چک از جانب خود را مصداق یکی از ۵ مورد ذکر شده در ماده‌ی فوق قلمداد کرده و از زیر بار مجازات فرار کنند و این موارد عملاً موجب سستی و تزلزل اعتبار چک در سطح جامعه می‌گردد.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی با ملاحظه‌ی قانون جدید چک می‌توان جنبه‌های مثبت بسیاری را در قانون مذکور مشاهده نمود. به‌عنوان مثال همچنان‌که گفتیم می‌توان به حذف ماده‌ی ۱۳ قانون سابق اشاره کرد. قانون سابق، صدور چک وعده‌دار را ممنوع اعلام کرده بود و از سوی دیگر برای آنها مجازات تعیین کرده بود که صدر و ذیل ماده با یکدیگر متعارض بود زیرا وقتی قانونگذار صدور این نوع چک‌ها را ممنوع می‌نماید، به این معنی است که دیگر خصوصیات چک را دارا نیست و نباید آن را چک تلقی کنیم، اما از سوی دیگر برای آن مجازات قایل شده بود. بنابراین صدور آن نمی‌باید مشمول مقررات صدور چک بلامحل شود. از طرف دیگر در عرف جامعه نیز اکثر چک‌ها به صورت وعده‌دار صادر می‌شد و جایز نبود در جایی که عرف جامعه امری را جرم نمی‌پندارد، قانونگذار برای آن تعیین مجازات کند. همچنین قانونگذار در ماده‌ی مذکور برای یک جرم واحد دو نوع مجازات (جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا ده میلیون ریال و یا حبس از شش ماه تا دو سال) در نظر گرفته بود، سرانجام این ماده در اصلاحات سال ۱۳۸۲ حذف گردید.

همان‌طور که گفته شد مجازات صدور چک بلامحل در قانون چک اصلاحی سال ۱۳۸۲ صرفاً به مجازات حبس کاهش یافت و نسبت به حذف جزای نقدی اقدام گردید که این عمل نیز گام مثبتی در قانون جدید چک به‌شمار می‌آید، زیرا متهمان صدور چک‌های بلامحل تحت تأثیر شرایط اقتصادی حاکم و یا نوسانات بازار اقتصادی ممکن بود نتوانند نسبت به پرداخت وجه چک‌های صادره اقدام نمایند. حال چگونه ممکن بود تاوان اضطرار ناشی از اوضاع اقتصادی را هم به‌عنوان جزای نقدی به دولت بپردازند.

در خصوص ماده‌ی ۱۸ نیز قانون سابق تأمین در چک را شامل وجه‌الضمان از نوع نقدی یا ضمانت‌نامه‌ی بانکی تعیین کرده بود که طبیعتاً این تأمین به قرار بازداشت موقت تبدیل می‌گردید، چون اگر صادرکننده‌ی وجه چک بلامحل

را موجود داشت وجه چک را پرداخت می نمود و اگر به دلیل اختلاف حساب با دارنده چک مایل به پرداخت وجه آن نبود آن را به صندوق دادگستری تودیع می نمود و هرگز حاضر نمی شد راه زندان را در پیش گیرد. بنابراین بهتر بود علاوه بر قرار تأمین وجه الضمان، امکان اخذ قرارهای تأمین دیگر نیز ممکن گردد تا صادرکنندگانی که ناخواسته از پرداخت وجه چک های صادرة خود عاجز می شوند زندانی نگردند و از نظر اجتماعی و اقتصادی به حیثیت و آبروی آنان لطمه وارد نشود و بتوانند مهلتی بیابند تا وجه مذکور را بپردازند. در این خصوص ماده ۱۸ اصلاح گردید و مرجع رسیدگی کننده به این گونه جرایم اجازه یافت طبق ضوابط مقرر در ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) مصوب ۱۳۷۸/۶/۲۸ حسب مورد یکی از انواع قرارهای کفالت، یا وثیقه (اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیرمنقول) یا سایر ابزارهای قانونی برای مطمئن شدن از حضور متهم در دادگاه در روز محاکمه را اخذ نماید.

طبق ماده ۱۶ قانون جدید رسیدگی به کلیه شکایات و دعاوی جزایی و حقوقی مرتبط با چک در دادسرا و دادگاهها تا خاتمه دادرسی باید فوری و خارج از نوبت صورت گیرد. با وجود نص قانون متهمانی وجود دارند که حتی پس از گذشت مدت زمانی که در زندان به سر می برند، هنوز احکام مرتبط با آنها صادر نگردیده و همچنان بلا تکلیف باقی مانده اند.

در پایان باید اظهار داشت که هر چند تا به امروز در نظام فعلی کشور ما قانون صدور چک با اصلاحات گوناگونی روبه رو شده و به تناسب زمانی، تغییراتی از طریق لوابیح و طرحهای قانونی برای رفع معضل صدور چک های بلامحل ایجاد شده است، اما در مجموع به نظر می رسد لازم است در آینده به طور دقیق نظام بانکی کشور مورد تجدید نظر قرار گیرد و به منظور رفع موانع و نواقص آن اقداماتی صورت پذیرد و این مقوله باید به گونه ای اساسی و به منظور اصلاح ساختار اقتصادی و قضایی کشور مورد توجه قرار گیرد. البته نباید کلیه نواقص چک را معطوف به ساختار بانکی کشور نماییم. در کشور ما با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی توجه به مقررات اعطای دسته چک تا حدودی می تواند در حل معضلات چک تأثیرگذار باشد. به عنوان مثال بانکها می توانند با توجه به اعتبار صاحب حساب، صدور چک از ناحیه آنها را تا مبلغ معینی محدود نمایند، یا نام و نشانی صاحب حساب

در متن چک قید گردد و صاحب حساب ملزم شود تا هرگونه تغییر را اطلاع دهد. همچنین در شرایط افتتاح حساب جاری تجدید نظر صورت گیرد. در این صورت سوء استفاده ها از چک کاهش می یابد. (۱۹)

به هر حال چک سندی است تجاری و قوانین و مقررات مربوط به آن نباید در طول زمان با اصلاحات مکرر دستخوش تغییر و تحولات متفاوت گردند، بلکه باید از طریق قوانین بانکی کشور توسط دستگاههای ذی ربط و با استفاده از تجارب بانکی و ایجاد شرایط و ضوابط خاص به منظور ایجاد قانونی ثابت و هدفمند و عاری از هرگونه نقص در خصوص چک گام های اساسی برداشته شود.

پی نوشت

۱. حسن عمید، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۶۹، ص ۵۳۹.
۲. فرهنگ عمید، ص ۵۳۹.
۳. حسن ستوده تهرانی، حقوق تجارت، جلد سوم، تهران، نشر دادگستر، چاپ پنجم، تابستان ۱۳۸۰، ص ۹۹.
۴. محمد دمرچلی و دیگران، قانون تجارت در نظم حقوق کنونی، تهران، ميثاق عدالت، چاپ سوم، زمستان ۱۳۸۲، ص ۵۷۶.
۵. ربیعا اسکینی، حقوق تجارت (برات، سفته، چک)، تهران، انتشارات سمت، چاپ چهارم، بهار ۱۳۷۸، ص ۱۸۵.
۶. حسین میرمحمدصادقی، جرایم علیه اموال و مالکیت، تهران، نشر میزان، چاپ هفتم، تابستان ۱۳۷۹، ص ۳۳۱.
۷. روزنامه همشهری، ۲۱ خردادماه ۱۳۸۲.
۸. روزنامه همشهری، ۲۱ خردادماه ۱۳۸۲.
۹. ستوده تهرانی، پیشین، ص ۱۱۳.
۱۰. رأی شماره ۷۴. مورخ ۱۳۴۶/۱۰/۲۷ هیأت عمومی دیوان عالی کشور به نقل از محمد دمرچلی و دیگران، پیشین، ص ۶۰۵ و ۶۰۶.
۱۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک. ستوده تهرانی، پیشین، ص ۱۲۶-۱۱۳.
۱۲. همان، ص ۱۲۷.
۱۳. محمدجعفر جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات کتابخانه ای گنج دانش، چاپ نهم، ص ۳۶۶.
۱۴. ر.ک. نظریه شماره ۷/۱۵۹۴. ۱۳۶۲/۴/۲۷ اداره حقوقی قوه قضاییه، یدالله بازگیر، مسائلی پیرامون چک در آرای قطعی یافته دادگاهها، ص ۳۴ و ۱۳۷۸ به نقل از دمرچلی و دیگران، پیشین، ص ۶۰۷.
۱۵. ماده ۳ قانون صدور چک.
۱۶. ر.ک. علی اصغر نبوی رضوی، قانون صدور چک و مسائل حقوقی پیرامون آن، ص، به نقل از ربیعا اسکینی، پیشین، ص ۲۱۳.
۱۷. برای مشاهده نظرات مختلف در این زمینه ر.ک. جرایم علیه اموال و مالکیت، اثر حسین میرمحمدصادقی، ص ۳۶۴ و ۳۶۵.
۱۸. همان، ص ۳۷۰-۳۶۵.
۱۹. محمود جامساز، قانون چک و لایحه اصلاحیه آن.